



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: علم اجمالی
 موضوع جزئی: مقام دوم: کفایت امتثال اجمالی از امتثال تفصیلی - صورت دوم: تمکن از
 امتثال تفصیلی - فرض سوم: عبادات - ادله عدم کفایت - دلیل ششم و بررسی آن - دلیل هفتم و بررسی آن
 سال پانزدهم
 تاریخ: ۲۰ آذر ۱۴۰۲
 مصادف با: ۲۷ جمادی الاولی ۱۴۴۵
 جلسه: ۴۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

چند دلیل را بر عدم کفایت امتثال اجمالی از امتثال تفصیلی در صورت تمکن از امتثال تفصیلی ذکر کردیم. تا اینجا پنج دلیل مورد بررسی قرار گرفت و در همه آنها اشکال شد.

دلیل ششم

این دلیل را محقق نایینی^۱ ذکر کردند. به طور کلی امتثال و اجرای دستورات الهی به معنای اطاعت است. اطاعت یعنی امتثال امر الهی، عصیان یعنی مخالفت با امر و نهی خداوند، نافرمانی کردن. برای اینکه معلوم شود کجا اطاعت تحقق پیدا کرده و در چه مواردی عصیان محقق شده است باید به عقل رجوع کنیم چون حاکم به اطاعت و عصیان عقل است. وقتی به سراغ عقل می‌رویم عقل می‌گوید در عبادات امتثال و اطاعت به این است که مکلف از بعث و امر مولا منبعث شود یا از زجر و نهی مولا منزجر. اطاعت از نظر عقل عبارت است از انبعاث ناشی از بعث مولا. لکن باید ببینیم آیا در احتیاط این مسئله تحقق دارد یا ندارد؟ ایشان می‌فرماید در جایی که احتیاط صورت می‌گیرد انبعاث ناشی از بعث مولا نیست بلکه نشئت گرفته از احتمال بعث مولا است. بعث هیچ مدخلیتی در انبعاث مکلف ندارد یعنی خدا اگر دستور می‌داد و من از دستور خدا تحریک و منبعث می‌شدم که این کار را انجام دهم این انبعاث بود ولی در احتیاط اینطور نیست زیرا من اصلاً بعث مولا را نمی‌دانم و صرفاً احتمال بعث می‌دهم. و این واضح است که انبعاث ناشی از احتمال بعث از دید عقل اطاعت محسوب نمی‌شود. تحریک شدن با احتمال امر اطاعت نیست، اطاعت این است که مکلف از خود امر تحریک شود. مثل اینکه ما الان نماز می‌خوانیم، ظهر که صدای اذان بلند می‌شود منبعث می‌شویم، تحریک می‌شویم از اقیما الصلوه که امر مولا است. این می‌شود اطاعت ولی اگر احتمال وجود امر بدهم و از احتمال امر منبعث شوم این امتثال نیست.

بررسی دلیل ششم

این دلیل نیز مردود است زیرا:

اولاً: لازمه این دلیل این است که حتی در صورت تمکن از امتثال تفصیلی نیز احتیاط جایز نباشد. زیرا طبق این بیان امتثال عبارت از انبعاث ناشی از بعث مولا است. احتیاط نیز عبارت است از انبعاث ناشی از احتمال بعث و این دیگر فرقی نمی‌کند که تمکن از

^۱ فوائد الاصول، ج ۳، ص ۷۳

امتنال تفصیلی باشد یا نباشد. لذا این بیان یک تالی فاسد دارد که خود محقق نایینی به آن ملتزم نیست زیرا ایشان در صورتی که تمکن از امتثال تفصیلی نباشد معتقد است احتیاط جایز است، در حالی که در این جهت فرقی بین تمکن و عدم تمکن نیست.

ثانیا: اصل این ادعا مردود است. درست است که ما در باب اطاعت و عصیان باید به عقل رجوع کنیم اما عقل برای حکم به اطاعت و عصیان به این مطلب کاری ندارد. عقل نگاه می‌کند آنچه که مکلف در خارج اتیان کرده، آیا واجد همه اجزاء و شرایط و خصوصیات هست یا نه؟ اگر مآتی به را مطابق با مأمور به دید می‌گوید امتثال تحقق یافته و اگر دید مآتی به و آنچه که مکلف اتیان کرده است با مأموریه مطابق نیست می‌گوید اطاعت تحقق پیدا نکرده است. مهم این است که بین مآتی به و مأموریه مطابقت وجود دارد یا خیر؟ اما اینکه انبعاث ناشی از احتمال بعث باشد یا ناشی از خود بعث این از دید عقل ملاک امتثال نیست. حقیقت امتثال همان انطباق مأموریه بر مآتی به است و لافرق فی ذلک بین التبعدیات و التوصلیات. چه در واجبات توصلی مثل دفن میت، آن چیزی که شارع می‌خواهد این است که این میت با آن خصوصیات دفن شود حال قصد قربت باشد یا نباشد. انطباق مأموریه با مآتی به مهم است. در نماز نیز همین است، در ظهر جمعه نیز همین است یعنی باید بین مأموریه و مآتی به انطباق وجود داشته باشد. تنها تفاوت تبعدیات و توصلیات در قصد قربت است. حال اینکه از حیث قصد قربت مشکلی در باب احتیاط ایجاد شود یا خیر مطلب دیگری است که ما قبلا به آن پرداختیم و پاسخ دادیم و لذا حتی در تبعدیات مسئله اینچنین است.

بر این اساس اگر روز جمعه مکلف احتیاط کند و دو عمل را اتیان کند قطعا یکی از این دو مطابق با امر خداست، این را یقین دارد، یکی از این دو مآتی به منطبق بر مأموریه است و همین کافی است. عقل بعد از اتیان به این دو عمل می‌گوید امتثال تحقق پیدا کرده است.

اشکال

بله تنها یک اشکالی ممکن است اینجا به نظر برسد و آن اینکه منظور محقق نایینی از اینکه می‌گوید انبعاث باید ناشی از بعث مولا باشد، منظور بعث واقعی و وجود واقعی بعث نیست بلکه منظور وجود علمی بعث است. فرق اینها چیست؟

اگر گفتیم وجود واقعی بعث تأثیر می‌گذارد در انبعاث عبد معنایش این است که نفس صدور امر ولو مکلف هم اطلاع نداشته باشد، باید اثر بگذارد در انبعاث عبد، در حالیکه قطعا اینچنین نیست. اگر قرار باشد نفس صدور دستور باعث شود که مکلفین همه بروند دنبال عمل این همه مخالف و تارک و عاصی پیدا نمی‌شد. پس معلوم است منظور از بعث در اینجا همان وجود علمی بعث است. اگر وجود علمی بعث منظور باشد یک مشکل دارد و آن اینکه در اطراف علم اجمالی این وجود علمی تحقق ندارد. به عبارت دیگر ممکن است کسی دلیل محقق نایینی را اینطور بازسازی کند که:

احتیاط و امتثال اجمالی ممکن نیست، یعنی کفایت نمی‌کند زیرا در اطراف علم اجمالی وجود علمی بعث تحقق ندارد. در امتثال تفصیلی این محقق است. در امتثال تفصیلی من علم دارم به بعث و امر مولا؛ می‌دانم که مولا دستور داده که نماز بخوانید، حال یا یقین دارم یا ظن معتبر دارم که ملحق به یقین است. آنجا مشکلی نیست، وجود علمی بعث و همین که من می‌دانم مولا و خداوند دستوری داده این موجب حرکت من می‌شود و این عنصر در علم اجمالی نیست؛ چون نه وجود علمی بعث به نماز جمعه برایم حاصل شده است و نه وجود علمی بعث به نماز ظهر. پس من چطور می‌خواهم منبعث شوم؟ به همین دلیل احتیاط کفایت نمی‌کند یا اساسا ممکن نیست. این در حقیقت بازسازی همان دلیل است.

این اشکال وارد نیست زیرا:

اولاً: اگر این اشکال وارد شود و این مانع وجود داشته باشد در فرض عدم تمکن از امتثال تفصیلی نیز وجود دارد. بالاخره آنجا نیز باید بگویید وجود علمی بعث در اطراف علم اجمالی زیر سؤال است، آنجا نیز نه وجود علمی بعث به این طرف است و نه آن طرف؛ لذا بود و نبود تمکن از امتثال تفصیلی اینجا تأثیری ندارد.

ثانیاً: چه کسی گفته در موارد علم اجمالی وجود علمی بعث محقق نمی‌شود. اصلاً نام علم اجمالی معلوم است، علم اجمالی یعنی ما یقین داریم به اینکه مولا در روز جمعه بعث دارد به نماز جمعه یا نماز ظهر؛ پس علم به بعث وجود دارد، من یقین به دستور مولا دارم؛ وجود علمی بعث مسلم است. آنچه موجود نیست و مجهول است مبعوث الیه است، نمی‌دانیم به چه چیزی بعث کرده است؟ آیا بعث به این کرده است (به نماز ظهر) یا بعث به نماز جمعه؟ بنابراین همین برای انبعاث مکلف کافی است. لذا فرمایش محقق نایینی و دلیل ایشان نه به بیان اول و نه بیان دوم نمی‌تواند عدم کفایت امتثال اجمالی را ثابت کند.

دلیل هفتم

این دلیل را نیز محقق نایینی^۱ بیان کرده است.

محصل دلیل هفتم این است که از نظر عقل مرتبه امتثال تفصیلی مقدم است بر مرتبه امتثال اجمالی. عقل برای اینها یک نسبت طولی بر قرار کرده است. اول امتثال تفصیلی بعد امتثال اجمالی. پس تا مادامی که مرتبه اول امکان داشته باشد نوبت به مرتبه دوم نمی‌رسد. در همه موارد اینطور است. عقل وقتی چیزی را درک می‌کند و یک نسبت طولی بین اینها می‌بیند، نمی‌تواند مرتبه دوم را جای مرتبه اول قرار دهد. توضیح ذلک:

ایشان می‌فرماید به طور کلی در امتثال و اطاعت چهار فرض و چهار وجه متصور است.

۱. امتثال تفصیلی: یعنی مکلف تفصیلاً می‌داند که چه عملی را باید انجام دهد مثل نماز یومیه. حال اینکه ما چگونه تفصیلاً این دستور را به دست آوردیم راه‌های مختلف است، یک وقت از طریق قطع است و یک وقت از طریق خبر مستفیض است و یک وقت از طریق خبر واحد است. همه اینها معتبر است ولو اینکه مفید یقین هم نباشد.

۲. امتثال علمی اجمالی: یعنی در جایی که برای ما اطرافش معلوم نیست. شبهه بین اطراف است ولی اصل تکلیف معلوم است. اینجا امتثال اجمالی یا احتیاط متصور است.

۳. امتثال ظنی: یعنی کسی نه علم تفصیلی دارد و نه علم اجمالی. یعنی نه اولی برای او مقدور است و نه دومی ولی می‌گوید من به نظرم می‌آید روز جمعه نماز جمعه رجحان دارد بر نماز ظهر؛ یعنی نه خبری قائم شده است و نه اصل عملی، بلکه پیش خودش می‌گوید قاعدتاً این باید رجحان داشته باشد.

۴. امتثال احتمالی: صرفاً بر اساس یک احتمال مرجوح اقدام به کاری کند. فرق این مرتبه و مرتبه سوم در این است که آنجا امتثال مستند به احتمال راجح است در حالیکه دلیل معتبری بر آن نیست اینجا امتثال مستند به یک احتمال مرجوح است. مثلاً در شبهات

^۱ فوائد الاصول، ج ۳، ص ۷۰ الی ۷۳

بدویه میگوید به نظرم این بهتر است بدون هیچ دلیلی، یا اینکه یک احتمال ضعیفی را اختیار کند. یا در شبهات مقرون به علم اجمالی یک طرف را انجام بدهد. این هم یک احتمال است، احتمال مرجوحی را انتخاب می‌کند و آن را مرتکب می‌شود. محقق نایینی می‌فرماید از نظر عقل بین این مراتب یک رابطه طولی است و قطعاً امتثال ظنی که مرتبه سوم باشد بر امتثال احتمالی یعنی مرتبه چهارم مقدم است. می‌گوید بله اگر هیچ یک از سه مرتبه اول ممکن نباشد مرتبه چهارم می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. امتثال علمی اجمالی و امتثال ظنی نیز قطعاً در رتبه بعد از امتثال تفصیلی قرار می‌گیرد یعنی اول امتثال تفصیلی بعد امتثال اجمالی. حال اگر فرض کنیم مرتبه دوم و سوم نبود تنها مرتبه اول و دوم بود اینجا نیز عقل مرتبه اول را مقدم می‌دارد. اگر ما مرتبه امتثال تفصیلی را مقدم بر سایر مراتب بدانیم طبیعتاً با فرض تمکن از امتثال تفصیلی دیگر نوبت به امتثال اجمالی نمی‌رسد زیرا در رتبه متأخر است، عقل این سلسله مراتب را ایجاد کرده است.

بررسی دلیل هفتم

این دلیل نیز مردود است. با توجه به آنچه که تا اینجا گفتیم پاسخ این دلیل معلوم است زیرا از نظر عقل آنچه که معیار اطاعت و عصیان است تطابق مأموریه با مآتی به است. عقل اصلاً به این مراتب کاری ندارد و این طولیتی که اینجا ایجاد شده است فاقد وجاهت است. به چه دلیلی مرتبه امتثال تفصیلی مقدم باشد بر مرتبه امتثال اجمالی. در همه این چهار مرحله باید ببینیم آیا مأمور به و مآتی به تطابق دارند یا خیر؟ اگر داشتند امتثال محقق است و اگر نداشتند امتثال محقق نیست. اینجا نیز فرض کنید با احتیاط و امتثال اجمالی اگر بخواهد آن مأمور به را محقق کند عقل او را مطیع و ممتثل می‌داند و دیگر بیش از این چیزی لازم نیست. پس این ادله همگی مورد خدشه قرار گرفت.

«والحمد لله رب العالمین»